



فصلنامه علمی پژوهشی اخلاق پژوهی

سال هفتم • شماره اول • بهار ۱۴۰۳

Quarterly Journal of Moral Studies  
Vol. 7, No. 1, Spring 2024



## آسیب‌شناسی پژوهش‌های ایرانی در حوزه اخلاق فناوری اطلاعات

حسینعلی رحمتی\*

doi: 10.22034/ethics.2024.51424.1687

### چکیده

در سال‌های اخیر، پژوهش‌هایی - هرچند ناکافی - درباره موضوعات و مسائل اخلاقی فضای مجازی و هوش مصنوعی در ایران انجام شده، اما پایایی و پویایی این شاخه پژوهشی نوپدید مستلزم شناخت نقاط ضعف این آثار و به طور کلی، هرگونه فعالیت در این زمینه و چاره‌اندیشی برای اصلاح آنهاست. هدف پژوهش حاضر که در این راستا انجام شده، شناسایی و بررسی برخی از کاستی‌ها و معرفی عوامل و زمینه‌های آنهاست، تا زمینه اصلاح فراهم شود. روش تحقیق از نظر گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و به جهت بررسی، تحلیلی و انتقادی بوده است. یافته‌های تحقیق بیان‌گر آن است که حوزه پژوهشی اخلاق فناوری اطلاعات (آخفا) در کشور ما با آسیب‌هایی چون ورود دیرنگام و ناکافی، ضعف تحلیل اخلاقی، پراکنده‌پژوهی، کمبود پژوهش‌های تولیدی مبتنی بر آموزه‌های دینی و فقدان ارتباط مناسب با جامعه هدف دست به گریبان است. در این مقاله پس از بررسی این کاستی‌ها، مواردی چون نوپدید بودن این شاخه پژوهشی، کمبود محققان آخفاپژوه، فقدان مراکز تخصصی و کم‌رونق بودن فضای نقد علمی، به عنوان علل و عوامل بروز این کاستی‌ها معرفی شده‌اند.

### کلیدواژه‌ها

اخلاق فناوری اطلاعات، اخلاق کاربردی، اخلاق اسلامی، اخلاق پژوهی، آسیب‌شناسی پژوهش.

\* استادیار پژوهشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران. | rahmati.h@irqh.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۷ □ تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۷/۱۱

■ رحمتی، حسینعلی. (۱۴۰۳). آسیب‌شناسی پژوهش‌های ایرانی در حوزه اخلاق فناوری اطلاعات. فصلنامه اخلاق پژوهی.

doi: 10.22034/ethics.2024.51424.1687 . ۷۴-۵۳، (۲۲)۷

زیست-جهان انسان امروز آنچنان با فناوری اطلاعات و ارتباطات و به ویژه فضای مجازی و اخیراً هوش مصنوعی، در هم تنیده که هر گونه ارزش داوری درباره آن بدون توجه به این نکته، ناقص و ناواقع بینانه است. این درهم تنیدگی البته، جدا از دیگر ابعاد، وجهی اخلاقی نیز دارد؛ به گونه‌ای که با پیدایی هر فناوری جدید پرسش‌ها، چالش‌ها و موضوعات اخلاقی نوینی نیز رخ می‌نماید. مجموعه تأملات نظری انجام شده در چند دهه گذشته در این عرصه، ابتدا در جوامع دیگر و سپس در کشور ما موجب شکل‌گیری شاخه‌ای از اخلاق کاربردی شده که با عنوان «اخلاق فناوری اطلاعات» (آخفا) نام‌بردار شده است (برای آگاهی بیشتر، نک: تقه الاسلامی، ۱۳۹۳). حاصل پژوهش‌های اخلاقی در این زمینه (آخفاپژوهی) پدیدآمدن مجموعه‌ای از کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و جستارهای پژوهشی است که هر کدام موضوع یا مسئله‌ای را در این زمینه بررسی کرده‌اند (برای آگاهی بیشتر، نک: رحمتی، ۱۳۹۱).

از آنجا که پایایی و پویایی «اخلاق فناوری اطلاعات» (آخفا)، همچون دیگر علوم، جز به نقد و ارزیابی نیست اندیشورانی که در این باب فعالیت می‌کنند نقد سه موضوع کلان را بایستی بر خود فرض بدانند: یکی نقد دیدگاه‌ها و نظریات، دیگر نقد رفتارها و سیاست‌ها و سوم نقد آثار علمی. مکتوب حاضر در راستای سومین و تا اندازه‌ای دومین وظیفه، به نگارش درآمده است. مهم‌ترین مسئله‌ای که پژوهش حاضر را موجب شد این بود که عمده آثاری که تا کنون به فارسی در زمینه «آخفا» تألیف شده‌اند هر کدام از جهت شکلی، روشی، محتوایی یا برنامه‌ریزی نقصان‌هایی داشتند که در مجموع مانع از انجام تحقیقات استاندارد در این عرصه نوپدید و عدم استفاده بهینه از سرمایه‌های مادی و معنوی بود که در این زمینه انجام شده بود و طبیعتاً برای جامعه هدف هم کاربرد لازم را پیدا نمی‌کرد. برای این مسئله باید چاره‌اندیشی می‌شد. مقاله حاضر در صدد پاسخ به این پرسش است که مهم‌ترین ضعف‌ها و نقصان‌های آثار ناظر به آخفا که به زبان فارسی تألیف شده‌اند، کدام‌اند و علل و عوامل بروز آنها چه بوده است؟ برای یافتن پاسخ، مجموعه‌ای از منابع مختلف - اعم از کتاب، مقاله و پایان‌نامه - مورد بررسی قرار گرفت و مهم‌ترین اشکالات آنها از نظر آخفاپژوهی استخراج و دسته‌بندی و تحلیل شد که در ادامه، بیان خواهد شد. درباره پیشینه پژوهش، باید گفت پژوهش‌های اخفایی که تا کنون به زبان فارسی انجام شده بر چند دسته است: اغلب آنها درباره یک موضوع مشخص است. برای مثال، مطهری (۱۳۹۶) مسئله «حیا» و فصیح‌رامندی (۱۳۹۸) مسئله «پورنوگرافی در فضای



مجازی» را بررسی کرده‌اند. برخی از آنها دربارهٔ اخلاق متخصصان فناوری اطلاعات است (برای مثال، رعیت‌پیشه و دیگران، ۱۳۹۴)، برخی دربارهٔ عوامل مؤثر بر اخفا (برای مثال، فلاح تفتی و دیگران، ۱۳۹۳)، برخی مانند ابطحی (۱۳۸۵) «روش تدریس اخفا» را معرفی کرده‌اند. آنها هم که آسیب‌شناسی کرده‌اند (برای مثال، فدایی، ۱۴۰۱ و امین پور، ۱۳۷۸) نوعاً نگاهشان ناظر به تأثیرات منفی فضای مجازی بر یک صنف خاص (مثل طلاب) یا یک عرصه مشخص (مثل پزشکی) بوده است. دربارهٔ دیگر مفاهیم مرتبط با پژوهش حاضر، مثل اخلاق کاربردی و اخلاق اسلامی هم آثار فراوانی به فارسی تألیف شده است که معرفی آنها از حوصله مکتوب حاضر بیرون است (برای آگاهی بیشتر، نک: رحمتی، ۱۳۸۷). از آنجا که مقاله حاضر به نوعی ناظر به آسیب‌شناسی علم است اشاره به این نکته هم لازم است که دربارهٔ آسیب‌شناسی علم اطلاعات در ایران نیز چند اثر منتشر شده که عمدتاً ناظر به نقد سیاست‌های علم و فناوری (برای مثال، گودرزی و دیگران، ۱۳۹۳) یا آسیب‌شناسی آموزش علم فناوری است، مانند (رضازاده و میرحسینی، ۱۳۹۹).

بنابراین، تا آنجا که نگارنده پی‌جویی کرده است، دربارهٔ موضوع این مقاله، یعنی شناسایی آسیب‌های روشی، محتوایی و سیاست‌گذاری پژوهش‌های اخفایی و عوامل و زمینه‌های آنها تا کنون کاری انجام نشده است و امید چنان است که بتواند در حد خود این جای خالی را پر کند. اهمیت و ضرورت انجام پژوهش حاضر این است که زمینه‌ساز اصلاح آسیب‌ها، رفع یا کاهش ضعف‌ها، استفاده بهینه از سرمایه‌های مادی و انسانی مراکز پژوهشی و افزایش قوت شکلی و محتوایی آثاری می‌شود که زین پس قرار است در این زمینه نگاه‌شسته شوند و در مجموع به غنی و فربه شدن شاخه اخلاق پژوهی فناوری اطلاعات در کشورمان کمک خواهد کرد. همچنین با توجه به فقدان آثار مشابه، می‌تواند تا اندازه‌ای جای خالی آنها را پر کند و البته، زمینه‌ساز تحقیقات بیشتر در زمینه آسیب‌شناسی پژوهش‌های اخفایی شود. مخاطب این مقاله افزون بر مدیران مراکز پژوهشی در حوزه و دانشگاه، همه کسانی‌اند که به عرصه اخلاق فناوری اطلاعات علاقه مند و در صدد پژوهش در این وادی هستند.

روش پژوهش، از نظر گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و مبتنی بر ملاحظات و مشاهدات میدانی نویسنده نسبت به آثاری بوده که طی دو یکی دو دهه گذشته در زمینه اخفا به فارسی تألیف یا ترجمه شده و برخی از آنها در کتاب مأخذشناسی اخلاق فناوری اطلاعات معرفی شده است (نک: رحمتی، ۱۳۹۱)، اما از نظر روش تحلیل و نقد، از آنجا که مکتوب حاضر در پی بررسی یک نظریه علمی خاص نبوده است، نقد و آسیب‌شناسی آثار اخفایی را با توجه به



شاخصه‌هایی که برای انجام یک تحقیق استاندارد از نظر شکلی و محتوایی لازم است، انجام داده است. این شاخصه‌ها از نظر شکلی و روشی در برخی کتاب‌های روش تحقیق (برای مثال، قاسمی و علیزاده، ۱۳۹۰) و از منظر ارتباط با پژوهش‌های کیفی ناظر به دین در آثاری که پژوهش در گستره دین‌پژوهی را مطرح کرده‌اند (مثل فرامرز قراملکی، ۱۳۸۳) بیان شده‌اند. طبیعتاً این آثار به طور خاص ناظر به حوزه اخلاق پژوهی، آن هم اخلاق فناوری اطلاعات، نبوده‌اند. از این رو، در مقاله حاضر آن شاخصه‌ها ناظر به فضای خاص اخلاق فناوری اطلاعات مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

لازم به ذکر است که به جهت برخی محذورها و ملاحظات اخلاقی، همچنین به این سبب که هدف مقاله نقد و بررسی یک اثر خاص نبوده، در برخی موارد از بیان اطلاعات کتاب‌شناختی آثار ضعیف خودداری شده است. نکته مهم دیگر این که بیان ضعف‌ها و آسیب‌ها به معنای نادید گرفتن ارزش تلاش‌های انجام شده نیست؛ بدیهی است نگارنده قدردان زحمات همه کسانی است که پای در این وادی جدید و پرسنگلاخ گذاشته‌اند و خود بارها از آثار آنان استفاده کرده است. آنچه بیان می‌شود به واقع برای تکمیل و تداوم هر چه بهتر این تلاش‌هاست.

## آسیب‌ها و ضعف‌ها

نگارنده با توجه به مجموعه تجارب خود در زمینه تدریس و تحقیق آخفا، راهنمایی و مشاوره پایان‌نامه‌ها و نقد آثار محققان حوزه‌ی و دانشگاهی در این زمینه و ملاحظه بسیاری از آثار تألیف یا ترجمه شده در این وادی، در مجموع به این نتیجه رسیده که چه خود این آثار و چه به طور کلی عرصه پژوهش‌های اخفایی ایران کاستی‌هایی دارد که در ادامه، بیان خواهد شد. البته، با این که برخی از این موارد به نوعی با یکدیگر هم‌پوشانی دارند، برای تأکید و برجسته‌سازی به صورت جداگانه ذکر شده‌اند. هرچند ممکن است این کاستی‌ها را در بیشتر پژوهش‌ها شاهد باشیم، ولی در مکتوب حاضر، از منظری خاص و با عنایت به ارتباط با حوزه اخفای پژوهی مورد بررسی و تأمل قرار گرفته‌اند. همچنین لازم به ذکر است که هدف مقاله تحلیل کمی پژوهش‌های اخفایی و تعیین درصد هر آسیب نبوده است و این کار تأثیری در اثبات کاستی‌ها نداشته است. از این رو، برای تقسیم و تبویب آثاری که دارای این کاستی‌ها هستند از نظر تعداد و درصد ضرورتی احساس نشده است. به هر صورت، عمده‌ترین کاستی‌ها در حوزه اخفای پژوهی عبارتند از:

## ۱. ورود دیرنگام و ناکافی

فناوری اطلاعات و به تبع آن مسائل اخلاقی اش دست کم سه دهه است که با زندگی ما عجین شده و هر چه جلوتر آمده بر ژرفا و پهنای آن افزوده شده است، ولی تلاش‌های مراکز علمی و پژوهشی ایران متأسفانه متناسب با این سطح از پیش‌روی نبوده و تنها حدود یک دهه است که این مراکز به شکل جدی‌تری به پژوهش و تحقیق در این عرصه توجه کرده‌اند. بر اساس تنها ماخذشناسی که تا کنون درباره اخلاق فناوری اطلاعات انجام شده (رحمتی، ۱۳۹۱)، تا سال ۱۳۹۰ کل پایان‌نامه‌ها، کتاب‌ها و مقالات اخفایی - اعم از تألیف و ترجمه - در کشورمان حدود چهارصد اثر بوده و تا به امروز (۱۴۰۳) هنوز ده‌ها موضوع و مسئله اخلاقی درباره فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی و اخیراً هوش مصنوعی وجود دارد که درباره آنها نه تنها کتابی نوشته نشده و طرح پژوهشی‌ای ارائه نشده، بلکه حتی یک مقاله یا جستار کوتاه نیز نگاشته نشده است. این در حالی است که در ایران - مطابق با آخرین آمار ایسپا - طی سال ۱۴۰۲، اینستاگرام ۳۱ میلیون، تلگرام ۲۴ میلیون، ای‌تا ۱۷ میلیون، روبیکا ۱۶ میلیون، بله پنج میلیون و توییت نزدیک به یک میلیون کاربر فعال داشته‌اند (روزنامه فرهیختگان، ۱۴۰۳).

یکی از شواهد ناکافی بودن پژوهش در زمینه اخفا این است که هنوز یک مجله تخصصی، یک دانشنامه علمی، یک فرهنگ موضوعات و مسائل، یک روش‌شناسی و یک ماخذشناسی جامع در این زمینه وجود ندارد. برای درک بهتر پیامدهای این غفلت پژوهشی خوب است به این نکته توجه کنیم که بخش عمده‌ای از کاربران این فناوری‌های جدید را نوجوانان و جوانان تشکیل می‌دهند، یعنی گروه‌هایی که بیش از دیگران در معرض آسیب‌های اخلاقی هستند و بیش از دیگران هم به آموزش و تربیت اخلاقی و سواد رسانه‌ای نیاز دارند.

## ۲. غفلت از آینده‌پژوهی

مراکز پژوهشی و محققان ایرانی نه تنها درباره بسیاری از موضوعات و مسائل اخلاقی مربوط به وضعیت فعلی فضای مجازی و هوش مصنوعی، بلکه درباره وضعیت آینده این فناوری‌ها و مسائل اخلاقی ناشی از آنها نیز کاری نکرده‌اند. این در حالی است که رصد شیب تصاعدی نفوذ فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا) در چند دهه گذشته نشان می‌دهد که این روند در آینده با شدت بیشتری ادامه خواهد یافت و انسان امروز که مزه استفاده از این فناوری‌ها زیر زبان اورفته،



به طور قطع این مسیر را با شدت بیشتری ادامه خواهد داد. بنابراین، آینده پژوهی اخلاقی «فاوا» را باید از هم اکنون به طور جدی و نظام‌مند آغاز کرد، اما متأسفانه در این زمینه جز چند مورد معدود (از جمله: تات داوودآبادی و رحمتی، ۱۴۰۱) پژوهش‌چندانی نشده است.

### ۳. سطحی‌نگری، کلی‌گویی، ضعف تحلیل

هر یک از موضوعات و مسائل اخلاقی فناوری اطلاعات، ابعاد و زوایای گوناگون دارد و بدیهی است کسی که بخواهد درباره آنها تحقیق کند (هم به این معنا که حق را آشکار کند هم حق مطلب را ادا کند) بایستی این ابعاد و زوایا را کاوش کند. بی‌توجهی به این نکته - همان‌گونه که برخی محققان خاطر نشان کرده‌اند - موجب شتابزدگی در تحقیقات و جایگزین شدن پژوهش‌های خطی به جای پژوهش عمقی می‌شود (شهریاری، ۱۳۹۱، ص ۵۷).

برای بررسی جدی و عمیق یک موضوع اخفایی، گاه لازم است محقق مبانی، پیش‌فرض‌ها، دیدگاه‌ها و نظریه‌ها، مدعاها و ادله و چالش‌های مربوط به آن را مشخص کند، آنها را نقد کند و در نهایت، دیدگاه خود را همراه با ادله مؤید آن بیان کند. برای مثال، تحقیق درباره این موضوع که «ماشین‌های هوشمند، فاعل اخلاقی به حساب می‌آیند، یا نه» نیازمند آن است که مشخص شود فاعل اخلاقی به چه معناست، آیا درباره غیرانسان‌ها هم مطرح است، شرایط فاعلیت چیست، کدام نظریه اخلاقی قابل تطبیق بر ماشین‌های هوشمند است، ماشین‌های هوشمند کدام‌یک از شرایط فاعل اخلاقی را دارا هستند و مواردی از این قبیل. طبیعتاً بدون واکاوی این موضوعات، کتاب یا مقاله و پایان‌نامه‌ای که نوشته می‌شود فاقد عمق علمی است و در سطح یک سری کلیات باقی می‌ماند. این ایرادی است که به برخی از پژوهش‌های انجام شده در حوزه آخفا وارد است. نوشتن پایان‌نامه‌ای با عنوان «اخلاق در شبکه‌های اجتماعی» یا نوشتن مقالات چند صفحه‌ای درباره موضوعاتی چون «اخلاق در فضای سایبر»، «هنجارهای اجتماعی، فرهنگ و اخلاق در فضای مجازی» و «آسیب‌شناسی فضای مجازی» نمونه‌هایی از این قبیل و نتیجه ساده‌انگاری و سطحی‌نگری، مبتذل‌سازی علم و تحقیق‌اند و چون بدون داشتن آگاهی و صلاحیت لازم انجام می‌گیرند - به فرموده پیامبر گرامی اسلام (ص) - ضررش از منفعتش بیشتر است.<sup>۱</sup> بگذریم از این که این کار اگر از سوی اساتید انجام شود، موجب بدآموزی برای شاگردان آنها هم خواهد شد.

۱. «مَنْ أَقْتَى النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ كَانَ مَا يُفْسِدُهُ أَكْثَرَ مِمَّا يَصْلِحُهُ» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۷، ص ۲۴۸).

البته، در اینجا اشاره به این نکته لازم است که در حوزه اخفاندیشی و اخفاپژوهی گاه به آثاری که حکم کلیات و مقدمات را دارد نیاز است. نگارنده نوشتن این گونه آثار را «فاز اول اخفاپژوهی» می‌نامد که نوعاً شامل آثار بنیادین و اسناد بالادستی می‌شود و کتاب‌هایی درباره کلیات و مفاهیم اخفا، تاریخچه اخفا، نظریه‌های مطرح در حوزه اخفا و مواردی از این قبیل را در بر می‌گیرد، ولی اولاً تولید چنین آثاری که در کشورهای دیگر نیز بسیار مرسوم است، بایستی توسط افراد توانمند و متخصص انجام شود تا از نظر محتوایی اتقان لازم را داشته باشد، ثانیاً، نباید موجب غفلت از پژوهش‌های موضوعی، جزئی و موردی ولی عمیق بشود که نویسنده آنها را آثار «فاز دوم اخفاپژوهی» می‌نامد.

درباره ضعف تحلیل آثار اخفایی همچنین گاه مشاهده شده که برخی پژوهش‌ها فاقد رویکرد خاص اخلاقی و تحلیل منضبط و روش‌مند فلسفه اخلاقی بوده، یا در آنها از ادبیات و اصطلاحات علمی چون فقه (مثل واجب و حرام) یا جامعه‌شناسی و روان‌شناسی استفاده شده است. گاه نیز به نظر می‌رسد که مقاله از ابتدا برای رشته‌ای غیر از اخلاق نوشته شده، ولی هنگامی که قرار شده برای یک مجله تخصصی اخلاق ارسال شود، مقداری اصطلاحات و تعابیر و نظریه‌های اخلاقی به آن تزریق شده است. گاهی هم پژوهش‌ها در فضای کلی فلسفه اخلاق نوشته شده، ولی در حد گزارش دیدگاه‌های مختلف باقی مانده و از تحلیل و نقد و بررسی خبری نیست. به عنوان مثال، وقتی یک مقاله بیست صفحه‌ای حدود شصت منبع دارد و عمده مطالبش منقول از دیگران است معلوم است که در آن خبری از تحلیل و نقد جدی نیست. نمونه‌ای دیگر از کارهای فاقد تحلیل را می‌توان آثاری دانست که در آنها محقق چند چالش اخلاقی مربوط به فضای مجازی (از قبیل اعتیاد مجازی، سرقت علمی، نقض حریم خصوصی، توهین و تمسخر دیگران) را معرفی اجمالی کرده و از آنها به سرعت رد شده است؛ در حالی که درست‌تر آن است که تنها به یکی از این موضوعات و به شکلی عمیق و همه‌جانبه، پرداخته شود. برای مثال، درباره «اعتیاد به فضای مجازی» این موارد باید بررسی شود: تعریف اعتیاد مجازی، نسبت آن با اخلاق، عوامل ایجاد یا ترک اعتیاد مجازی، نشانه‌های اعتیاد مجازی، مهم‌ترین آسیب‌های اخلاقی ناشی از اعتیاد مجازی، راه کارهای پیشنهادی برای اصلاح این آسیب‌ها.

به مناسبت بحث خوب است به یک «بی احتیاطی علمی پژوهشی» که گاه ناشی از نگاه سطحی و غیرعمیق به اخفا است نیز اشاره شود که عبارت است از تعجیل در ارائه پاسخ نهایی و قاطع به مسائل اخلاقی فناوری‌های نوپدید. این کار از آن رو نادرست است که ابعاد و زوایای



برخی از فناوری‌های جدید به ویژه موارد مربوط به هوش مصنوعی، هنوز چندان روشن نیست و این فناوری‌ها هر لحظه در معرض تغییرند و در نتیجه، مسائل اخلاقی آنها هم ابعاد و زوایای جدیدی پیدا می‌کنند و بی‌تردید، فناوری‌های آینده از این جهت، وضعیت حادث‌تری دارد. بنابراین، هر گونه اظهار نظر درباره مسائل اخلاقی آنها را باید به صورت محتاطانه و گاه مشروط بیان کرد. برای مثال، هنوز ابعاد و زوایای پروژه «متاورس»<sup>۱</sup> یا پروژه «نیورالینک»<sup>۲</sup> (پیوند هوش طبیعی به هوش مصنوعی) چندان روشن نیست؛ بنابراین، محققانی که می‌خواهند درباره مسائل اخلاقی آنها اظهار نظر کنند باید ابعاد و شقوق محتمل و قطعی هر کدام را در نظر بگیرد و متناسب با آنها حکم اخلاقی لازم را صادر کند. این در حالی است که مشاهده می‌شود برخی افراد در نوشته‌ها یا سخنرانی‌های خود درباره این سنخ از موضوعات به گونه‌ای سخن می‌گویند که گویی دایره موضوعی این مسائل کاملاً روشن است و ایشان بر آنها احاطه کافی دارند.

#### ۴. یک سونگری و پیش فرض‌های نادرست

فناوری‌های مرتبط با فضای مجازی و هوش مصنوعی از نظر اخلاقی عمدتاً کارکردی دوگانه دارند: از یک سو در خدمت تحقق فضایل اخلاقی از قبیل دانش‌افزایی، کاهش درد و رنج انسان‌ها و صرفه‌جویی در وقت و هزینه‌ها هستند و از سوی دیگر، بستری مستعد هستند برای ارتکاب رذائل اخلاقی از قبیل تضییع حقوق دیگران، تولید و توزیع محتوای غیراخلاقی، نقض حریم خصوصی، و پاشیدن بذر اختلاف و کینه و بدبینی در جامعه. از این رو، کسانی که در صد اندیشه‌ورزی و پژوهش درباره اخلاق فناوری اطلاعات هستند، بایستی به هر دو وجه توجه کنند، اما تا جایی که نگارنده متوجه شده است، در برخی مقالات، پایان‌نامه‌ها، کتاب‌ها و حتی یادداشت‌ها و پیام‌های کوتاه اینترنتی و از آن بیشتر در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های افراد مختلف معمولاً به این کارکرد دوگانه کم‌تر توجه شده و بیشتر به کارکردهای منفی آن توجه می‌شود. گویا تولیدکنندگان این آثار اصل را بر شرّ مطلق بودن فضای مجازی گذاشته و خیریت آن را امری تبعی و فرعی می‌دانند؛ در حالی که اخلاق تحقیق اقتضا می‌کند منصفانه به هر دو وجه توجه شود. همان‌طور که آموزه‌های دینی به ما سفارش می‌کند که کارهای ناپسند یک قوم نباید منجر به

1. metaverse

2. Neuralink



خروج ما از دایره عدالت و اعتدال شود،<sup>۱</sup> برخی کارکردهای منفی فضای مجازی یا رفتارهای نادرست کاربران آن نباید موجب یک سویه‌نگری محققان شود. دقت در الگوی قرآنی آسیب‌شناسی‌های اخلاقی در این زمینه ره‌گشاست و برای مثال، وقتی بنا دارد حتی درباره شراب و قمار قضاوت کند، هم به منافعش توجه دارد هم به مضراتش.<sup>۲</sup>

افراط در نگرش بدبینانه به فضای مجازی افزون بر این که بیرون از دایره انصاف و اعتدال است، موجب می‌شود راهکارهایی که محقق ارائه می‌کند از سوی کاربران، به ویژه نوجوانان و جوانان که کارکردهای مثبت این شبکه‌ها را در زندگی روزمره خود می‌بینند، مورد استقبال قرار نگیرد. همچنین افراط در بدگویی از فضای مجازی اگر از سوی شخصیت‌های مذهبی مطرح شود، می‌تواند موجب متهم کردن دین و دین‌داران به مخالفت با هر گونه پیشرفت جامعه از سوی برخی جوانان شود. البته، سویه دیگر این کارکرد دوگانه هم مهم است، یعنی توجه بیش از اندازه محققان به کارکردهای مثبت فضای مجازی و غفلت یا تغافل نسبت به آسیب‌های آن، موجب می‌شود آنها، خواسته یا ناخواسته، نسبت به ریشه‌یابی این آسیب‌ها و چاره‌جویی برای رفع یا حل آنها کوتاهی کنند. نتیجه چنین وضعیتی، شیفتگی نسبت به فناوری و ولع استفاده بدون حساب و کتاب از آن است که در صورت عدم علاج، به نوعی «بردگی فناورانه» و قربانی کردن کرامت انسان در پای فناوری می‌انجامد.

## ۵. پراکنده پژوهی و فقدان نقشه راه جامع

نگاهی به مجموعه آثاری که درباره اخفا تألیف یا ترجمه شده نشان می‌دهد که این‌گونه فعالیت‌ها تابع هیچ برنامه و نظم خاصی نیست؛ به گونه‌ای که هر پژوهش بتواند بخشی از جورچین نظام مسائل و موضوعات اخلاقی فناوری اطلاعات را پوشش دهد. گویی این‌گونه کارها بیشتر تابع علاقه و زمینه و ذهنیت خود افراد یا صلاح‌دید مراکز پژوهشی است. به همین خاطر است که می‌بینیم درباره کتاب‌های مرجع اخفایی از قبیل روش اندیشه‌ورزی اخلاقی و اخفا پژوهی، تاریخچه اخفا و معرفی و نقد نظریه‌های مطرح در این زمینه، یا درباره برخی موضوعات جزئی‌تر مثل مدیریت سایت‌ها و شبکه‌ها، اخلاق لایک و فوروارد کردن، عضویت در شبکه‌ها و

۱. «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ» (سوره مائده، آیه ۸).

۲. «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِنَّهُمَا لَأَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا» (سوره بقره، آیه ۲۱۹).



ناشناس بودن در این فضا پژوهش خاصی وجود ندارد، ولی از آن سو درباره برخی موضوعات (مثل حریم خصوصی) چندین کتاب و مقاله نوشته شده است. نداشتن یک برنامه مشخص و نیازسنجی و اولویت‌بندی موضوعات اگر از سوی افرادی که پژوهش‌های آزاد انجام می‌دهند قابل چشم‌پوشی باشد، از سوی پژوهشگاه‌ها و دانشگاه‌ها قابل پذیرش نیست.

### ۶. عدم اهتمام لازم به پژوهش‌های ناظر به آموزه‌های دینی

پژوهش‌های اخفایی از آنجا که ناظر به مسائل ملموس جامعه هستند، طبیعتاً باید با نظام هنجاری و فرهنگی جامعه‌ای که مخاطب این پژوهش‌ها در آن زندگی می‌کند بیشترین سنخیت را داشته باشند و گرنه به مقصود اصلی (که اصلاح رفتار مخاطب است) آن گونه که باید دست پیدا نخواهند کرد. در جامعه‌ای مثل ایران که یک جامعه دینی به حساب می‌آید نیز انتظار آن است که اخفای‌پژوهان - چه در مرحله بررسی و ریشه‌یابی مسائل اخلاقی فضای مجازی و چه هنگام ارائه راهکار برای حل آنها - از آموزه‌های دینی استفاده کنند؛ به ویژه که در منابع دینی ما اعم از کتاب و سنت، آموزه‌های اخلاقی فراوانی وجود دارد که برای این کار قابل استفاده است. مزیت دیگر اخفای‌پژوهی بر اساس منابع دینی آن است که انگیزه مخاطب دیندار این پژوهش‌ها را برای به کار بستن آنها افزایش می‌دهد.

به رغم آن چه گفته شد، بررسی‌های نگارنده بیان‌گر آن است که متأسفانه در این زمینه آثاری که به نوعی ناظر به دین و آموزه‌های دینی باشند، نسبت به آنچه باید باشند، بسیار اندک است و البته، در این میان آثاری که «روش» اخفای‌پژوهی بر اساس آموزه‌های دینی یا ناظر به مسائل دینی را آموزش دهد تقریباً وجود ندارد که این خود می‌تواند یکی از عوامل کمبود اخفای‌پژوهی‌های دینی باشد. به هر حال، کمبود پژوهش اخفایی ناظر به آموزه‌های دینی در ایران که در حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌های آن ده‌ها مؤسسه پژوهشی و صدها محقق و مدرس اخلاق وجود دارد، و در ذیل یک حکومت دینی است که هدف نهایی‌اش رشد اخلاقی جامعه است، ضعف بسیار بزرگی به شمار می‌آید. این سخن البته، به معنای نادیده گرفتن کارهایی که از منظر اسلامی انجام شده نیست (برای نمونه، نک: شهریار، ۱۳۹۸؛ مجموعه نویسندگان، ۱۳۹۱؛ زارعی و جعفری نویمی‌پور، ۱۳۹۵)، بلکه سخن در این است که تعداد این آثار نسبت به آنچه که از جامعه ما انتظار می‌رود اندک است. برخی از کارهایی هم که انجام گرفته بیشتر مستندسازی مباحث اخفا به آیات و روایات است؛ نه کار

تولیدی و نظریه‌پردازی، به گونه‌ای که بتوان نظریه‌ای را طراحی کرد که با نظریه‌های غیر دینی مرزبندی و شاخصه‌ها و ویژگی‌های خاص خود را داشته باشد.

## ۷. ضعف اطلاع از / و حضور در فرایندهای اخفاپژوهی جهان

همان‌گونه که مسائل اخلاقی مربوط به «فاوا» مختص یک جامعه خاص نیستند، پژوهش‌های انجام شده در این زمینه هم طبیعتاً منحصر به یک محدوده جغرافیایی خاص نیستند. از این‌رو، به دلایل مختلف، از جمله کسب تجربه، اخفاپژوهان ایرانی باید از آنچه در عرصه اخفاپژوهی کشورهای دیگر می‌گذرد مطلع باشند؛ خواه در جهان اسلام یا دیگر جوامع مثل غرب. نگاهی به آثار ترجمه شده به فارسی درباره اخلاق فناوری اطلاعات، نشان‌گر آن است که عمده توجه اندیشوران فارسی زبان در این زمینه به متفکران غربی بوده است (برای نمونه، نک: کاپورو ۱۴۰۰ و اوئیل، ۱۴۰۲) و به پژوهش‌ها و پژوهشگران اخفایی در جهان اسلام توجه چندانی نداشته‌اند؛ به گونه‌ای که پژوهشگران ایرانی به عنوان جامعه‌ای مسلمان عمده‌تأ اطلاع ندارند که در دیگر کشورهای اسلامی چه اندازه به مباحث اخلاق فناوری اطلاعات توجه می‌شود، شیوه مواجهه آنها با این شاخه از دانش اخلاق چگونه است، چه موضوعاتی برای آنها جذابیت دارد و متفکران شاخص آنها در این عرصه (اگر وجود دارد) چه کسانی هستند.

البته، محققان و مراکز پژوهشی ما از پژوهش‌های اخفایی در ادیان دیگر، به ویژه مسیحیت و یهودیت هم اطلاع چندانی ندارند، ولی با توجه به اشتراکات دینی و فرهنگی فراوان کشور ما با کشورهای اسلامی، بی‌خبری از جهان اسلام ضعف جدی‌تری برای مراکز پژوهشی ایران، به ویژه مؤسسات پژوهشی حوزوی، به حساب می‌آید. این بی‌اطلاعی موجب عدم بهره‌گیری محققان ما از یافته‌های پژوهشی آنها و محروم شدن آنها از نتایج پژوهش‌های محققان ما می‌شود. به عنوان مثال، برخی از اندیشمندان مسلمان مانند طه عبدالرحمن و ذکی میلاد نظریه‌ای با عنوان «تعارف» یا «هم‌شناسی» فرهنگی در عرصه ارتباطات مطرح کرده‌اند که چون برگرفته از معارف قرآنی است، می‌تواند مبنایی برای هم‌اندیشی محققان ایرانی با صاحبان این نظریه شود، جهت تولید دیدگاهی اخلاقی در باب فناوری اطلاعات و فضای مجازی (برای آگاهی بیشتر، نک: غمامی و اسلامی تنها، ۱۴۰۱). گری بونت<sup>۱</sup> - اسلام‌پژوه انگلیسی - از جمله افرادی است که درباره



۶۳

اسبب‌شناسی پژوهش‌های اخلاقی فناوری اطلاعات

۱. گری بونت (Gary Bunt) see <https://www.virtuallyislamic.com>

اسلام و فضای مجازی تحقیقات فراوانی دارد؛ هرچند پژوهش‌های او لزوماً از منظر اخلاقی نیست، اما همین که از منظر تفکر اسلامی است می‌تواند مبنایی برای همفکری باشد. نمونه دیگر، کتاب رسانه و ارتباطات، تجربه مالزی در اسلامی‌سازی و بومی‌سازی دانش ارتباطات (قلندر و دیگران، ۱۴۰۱) است که به معرفی چرایی و چگونگی بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی برای رسانه و ارتباطات و چالش‌های فرا روی آن می‌پردازد. طبیعتاً این موارد هم ممکن است لزوماً درباره فضای مجازی یا لزوماً درباره اخلاق نباشند، ولی از آنجا که فضای مجازی هم یک رسانه است و از آنجا که این کتاب درباره تجربه یک کشور اسلامی است برای مباحث اخفا در کشور ما هم می‌تواند مفید واقع شود. روشن است که معرفی این آثار لزوماً به معنای تأیید محتوایی، یا دفاع از همه دیدگاه‌های نویسندگانشان نیست.

بی‌اطلاعی محققان ما از اخفاپژوهی و اخفاپژوهان در کشورهای اسلامی و غیراسلامی مانع همکاری و هم‌اندیشی آنها با متفکران این کشورها و عدم مشارکت در رخدادهای جهانی از قبیل همایش‌های علمی و انجام تحقیقات مشترک نیز می‌شود. یکی از دلایل اینکه در بسیاری از دانشنامه‌ها و مجموعه مقالاتی که در کشورهای دیگر درباره اخفا منتشر شده، یا اصلاً مدخلی درباره اسلام وجود ندارد یا مدخل‌هایی هم که وجود دارد بسیار ضعیف است، همین بی‌اطلاعی و عدم تعامل مناسب محققان جوامع اسلامی، از جمله ایران، با این کشورهاست.

### ۸. ترجمه‌گرایی و عدم توجه لازم به تألیفات تولیدی

«اخفاپژوهی» شاخه‌ای نوپدید و موضوعی مستحدثه است که در کشور ما و بسیاری از کشورهای دیگر هنوز حدود و ثغور همه مسائل اخلاقی آن چندان روشن نیست. از این‌رو، اطلاع از آنچه در جوامع دیگر انجام می‌شود ضروری است و طبیعتاً ترجمه آثار منتقدین و معتبران راهی است برای وصول به این مقصود، اما این کار نباید موجب تبلی فکری و آماده‌خوری فلسفی و اخلاقی شود و محققان کشورمان را از توجه به کارهای تألیفی و تولیدی که متناسب با شرایط فرهنگی، اجتماعی، دینی و مذهبی کشورمان باشد غافل کند؛ زیرا یک اثر غیر فارسی هراندازه هم ارزشمند باشد باز هم ناظر به شرایط فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و اصول و هنجارهای اخلاقی جامعه محل زیست نویسنده‌اش نوشته شده است و نمی‌تواند از هر جهت برای جامعه ما، به ویژه با توجه صبغه اسلامی و فرهنگ ملی آن تطابق داشته باشد. در حد اطلاع نویسنده، خوشبختانه بخش قابل توجهی از آثار اخفایی منتشر شده در

کشورمان تألیف است و نه ترجمه، اما با توجه به میزان نیازی که جامعه ما دارد این مقدار کافی نیست. در یک صد سال گذشته، یکی از دلمشغولی‌های جدی تحصیل کرده‌های ایران ترجمه آثار فلسفی غرب، البته، نه در زمینه اخفا، بوده (نک: رحمتی، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵) که البته، این کار تا حدی لازم بوده است، ولی خوف آن وجود دارد که در زمینه اخفا نیز میل به ترجمه و راحت‌تر بودن (یا گمان راحت‌تر بودن) ترجمه نسبت به تألیف، همچنین ارزان بودن به خاطر عدم نیاز به پرداخت حقوق مؤلف، موجب شود که در این وادی نیز گرایش به ترجمه (نسبت به تألیف) غلبه پیدا کند. بگذریم از اینکه ترجمه اصولاً تحقیق نیست، بلکه انتقال تحقیقات دیگران به شمار می‌آید.

## ۹. ضعف ارتباط با جامعه هدف

یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های پژوهش‌های اخفایی با پژوهش درباره دیگر موضوعات اخلاق کاربردی، کثرت عددی مخاطبان و تنوع و تکثر آنها از نظر سن، جنسیت، تحصیلات، شغل و مانند آن است. به این دلیل که امروزه تقریباً همه افراد جامعه از پیر و جوان (و حتی نوجوان) به گونه‌ای از فضای مجازی و فناوری‌ها و برنامه‌های مرتبط به آن استفاده می‌کنند و از آنجا که همه اینها با مسائل و موضوعات اخلاقی مواجه هستند، طبیعتاً جامعه هدف اخفاپژوهان به شمار می‌آیند و بایستی از ثمره پژوهش‌های اخلاقی آنان بهره‌مند شوند، اما تا جایی که نگارنده کاویده است، اغلب این پژوهش‌ها در قالب مقاله، کتاب و پایان‌نامه است و طبیعی است که تنها برای افراد تحصیل کرده و علاقه‌مندان خاص کاربرد دارد و از آنجا که تعداد این افراد، نسبت به کل جامعه، بسیار اندک است و میزان مطالعه در ایران بسیار پایین است، در حوزه اخفاپژوهی ارتباط لازم بین نهاد پژوهش با جامعه هدف به درستی شکل نگرفته است.

## عوامل و زمینه‌ها

هدف نهایی هر گونه فرایند آسیب‌شناسانه رفع یا کاهش آسیب‌هاست و این کار ممکن نخواهد شد مگر این که پیش از هر چیز چرایی وقوع آنها مشخص شود. از این رو، اینک که تا اندازه‌ای مهم‌ترین آسیب‌ها و کاستی‌های حوزه اخفاپژوهی مشخص شد، برخی از عوامل که به شکل مستقیم یا غیرمستقیم در شکل‌گیری آنها نقش دارد در ادامه، معرفی می‌شود. لازم به ذکر است که تحلیل‌هایی که در ادامه ارائه می‌شود، ناظر به رویکرد و روش استقرایی



است، اما تا جایی که مقدر بوده سعی شده دایرة استقراء و داده‌های ورودی اطلاعات گسترش پیدا کند تا میزان گویایی، روایی و اعتبار آن بیشتر شود. در کنار آن، هرچند گفت‌وگو با صاحب نظران نیز می‌توانست مفید باشد، ولی نبود اساتیدی که به طور حرفه‌ای و تخصصی در زمینه اخفا کار کنند از یک‌سو و دشواری دسترسی به چند نفری که اندکی در این زمینه کار کرده‌اند، از سوی دیگر، موجب شد که از این روش صرف نظر شود. به هرصورت، موارد زیر برخی از مهم‌ترین مواردی هستند که به عنوان عامل مستقیم یا زمینه غیر مستقیم موجب پیدایی آسیب‌هایی شده‌اند که در بخش نخست مقاله بدان‌ها اشاره شد.

### ۱. نوپدید بودن موضوع

شکل‌گیری «اخلاق فناوری اطلاعات» به عنوان یک شاخه علمی در کشورهای دیگر که زودتر از ما درگیر اینترنت و فضای مجازی شدند، هنوز هم جوان است؛ چه رسد به کشور ما که با تأخیر به این قافله پیوسته‌ایم. از خود این شاخه علمی جوان‌تر، پژوهش درباره آنهاست که همان‌گونه که اشاره شد در کشور ما حدود یک دهه است مقداری جدی گرفته شده است. از این‌رو، انجام پژوهش درباره چیزی که هم خودش جدید است هم فعالیت‌های علمی پژوهشی درباره آن کم است، برای محققانی که بخواهد در این راه گام بردارد کاری دشوار و چالش‌برانگیز است. نگارنده در موارد متعدد با طلاب و دانشجویانی مواجه شده که به رغم اینکه تمایل به اخفاپژوهی دارند، ولی از ترس این که مبدا نتوانند منابع لازم را برای کار خود پیدا کنند یا تحقیق خود را به سامان برسانند، از قبول پژوهش در این عرصه تن زده‌اند. گویا این مشکل درباره محققان حرفه‌ای که برای مثال، عضو هیئت علمی پژوهشگاه‌ها هستند نیز صدق می‌کند. البته، اینگونه مشکلات نباید موجب ناامیدی شود و برعکس، باید عزم محققان حرفه‌ای را برای ورود جدی‌تر به عرصه اخفاپژوهی جزم کند و انگیزه اساتید را برای تشویق و ترغیب طلاب و دانشجویان برای ورود جدی به این وادی افزایش دهد. تجربه نشان داده که این کار، در کنار آموزش و راهنمایی آنها مؤثر واقع می‌شود و آنان جرأت انتخاب موضوعات اخفایی را برای نوشتن مقاله و پایان‌نامه پیدا می‌کنند و آن را به ثمر می‌رسانند.

### ۲. عدم احساس نیاز و درک ضرورت

در جامعه علمی ما امکانات مادی و معنوی و انسانی لازم برای انجام پژوهش‌های اخفایی وجود

دارد، اما یکی از دلایل این که به فعلیت نمی‌رسد (یا هنوز به اندازه کافی به فعلیت نرسیده) این است که مدیران این مراکز، به هر دلیلی، یا «ضرورت» این کار را درک نکرده‌اند یا «اولویت» آن را و گرنه در موضوعات دیگر که چنین احساسی بوده مشاهده شده که برای مثال، دانشنامه‌های چند جلدی منتشر شده یا در طی چند روز ده‌ها یادداشت نوشته شده یا نشست علمی برگزار شده که در جای خود لازم است، ولی درباره بسیاری از موضوعات اخلاقی مربوط به «فاوا» هنوز یک کتاب یا پایان‌نامه تخصصی هم نوشته نشده است.

البته، ممکن است مخاطب گرامی در این زمینه فهرستی از نشست‌های علمی یا انتشار ویژه نامه یک مجله برای اخلاق فضای مجازی، یا مقالات مربوط به اخفا را در مجلات مختلف را ارائه کند. نگارنده به هیچ وجه در صدد نادید گرفتن این تلاش‌های ارزشمند نیست، ولی سخن در این است که اخفاپژوهی در مراکز علمی پژوهشی ایران به صورت تعریف شده و به صورت یک گروه) وجود ندارد و میزان کارهایی که شده با کارهایی که باید بشود، فاصله بسیار دارد و این در حالی است که هر روز چند موضوع یا مسئله جدید نیز به موارد قبلی افزوده می‌شود. برای مثال، استفاده از هوش مصنوعی برای فعالیت‌های انتخاباتی تا یک سال قبل در ایران مطرح نبود، ولی اکنون مطرح شده و بدیهی است که مسائل و چالش‌های اخلاقی گوناگونی را در پی دارد که نیازمند تحقیق است.

### ۳. ساده‌نگاری و سهل‌نگاری

پیش‌تر گفته شد که برخی از آثار حوزه اخفاپژوهی از آسیب سطحی‌نگری و کلی‌گویی رنج می‌برند. یکی از عوامل مؤثر در این زمینه آن است که برخی افراد اظهار نظر و تحقیق درباره موضوعات نوپدید و پیچیده‌ای چون هوش مصنوعی و فضای مجازی را خیلی ساده و آسان می‌انگارند؛ در نتیجه، به طور جدی درباره ابعاد و زوایای آن تأمل نمی‌کنند و از مرحله گزارش رد نمی‌شوند تا به مرحله تحلیل و تعمق برسند. گویی گمان می‌کنند حضور در شبکه‌های اجتماعی و صرف آشنایی کلی و حتی تخصصی با برخی مباحث اخلاق<sup>۱</sup> و فلسفه اخلاق، برای تدریس و

۱. درباره اینکه آیا مسائل اخلاقی فناوری‌های جدید نیازمند یک اخلاق جدید است یا همان اخلاق سنتی کفایت می‌کند، دو دسته دیدگاه وجود دارد. کسانی چون والتر مِتر و جیمز مور جزو دسته اول‌اند و افرادی چون دیورا جانسون جزو گروه دوم (برای آشنایی با دیدگاه‌ها، نک: شهریاری، ۱۳۹۸). نگارنده به رغم اینکه با گروه دوم موافق است، اما صرف آشنایی با اخلاق سنتی را برای اخفاپژوهی کافی نمی‌داند و البته، این موضوعی است که در جای دیگر باید بررسی شود.



تحقیق و سخنرانی در این زمینه کفایت می‌کند. این ساده‌انگاری، در نهایت، موجب سطحی شدن و مبتذل‌سازی پژوهش‌ها می‌شود و طبیعتاً برای مخاطب هم آورده‌ای ندارد.

#### ۴. ضعف آموزش‌های روشی و مهارتی

پژوهش در زمینه اخفا هم مثل علوم دیگر نیازمند آشنایی محقق با مجموعه‌ای از روش‌ها و مهارت‌ها از قبیل موضوع‌شناسی، مسئله‌شناسی، منبع‌شناسی، ایده‌پردازی، نظریه‌پردازی و نقد است، اما متأسفانه در مراکز حوزوی و دانشگاهی ما برای آموزش این امور اقدامات جدی و لازم انجام نمی‌شود. این ضعف آگاهی موجب نوعی ترس از ورود به عرصه‌های جدید می‌شود و طلاب و دانشجویان یا اصلاً به سمت موضوعات اخفایی نمی‌روند، یا اگر هم بروند نمی‌توانند کار را به سامان لازم خود برسانند. در نتیجه، به رغم اینکه هر روز در فضای مجازی ده‌ها عکس و ویدئو و خبر وجود دارد که بر اساس هر کدام می‌شود یک مقاله یا دست‌کم یک جستار علمی اخلاقی نوشت، ولی چون طلاب و دانشجویان و گاه محققان رسمی روش ایده‌یابی و موضوع‌شناسی را نمی‌دانند از کنار آنها به راحتی می‌گذرند، یا این که گاه با مقالات و پایان‌نامه‌ها و گاه رساله‌های دکتری در زمینه اخفا روبه‌رو هستیم که از نظر محتوایی و شکلی یا هر دو دارای ضعف‌های فراوان‌اند. البته، در این موارد نباید تنها طلاب و دانشجویان را مقصر دانست، بلکه در قدم اول مسئولیت بر عهده مدیران گروه‌های آموزشی و مراکز پژوهشی و سپس اساتید حوزه و دانشگاه است. تجربه نشان داده که اگر اساتید متوجه نیاز به پژوهش‌های اخفایی باشند و شاگردان خود را راهنمایی کنند و به آنها انگیزه و اعتماد به نفس بدهند، آنها از انتخاب موضوعات اخفایی برای پایان‌نامه و مقاله استقبال می‌کنند. حتی در مواردی مشاهده شده که دانشجو یا طلبه بعد از دفاع از پایان‌نامه همچنان اخفا را به عنوان پروژه مطالعاتی خود انتخاب کرده و کار پژوهش در این زمینه را ادامه داده است.

#### ۵. کمبود نیروی متخصص

اخلاق فناوری اطلاعات هم مثل دیگر رشته‌ها و شاخه‌های مربوط به اخلاق کاربردی از قبیل اخلاق زیست‌محیطی، اخلاق پزشکی و اخلاق مدیریت امروزه تبدیل به یک رشته تخصصی شده است. از این‌رو، مثل همه این رشته‌ها نیاز است که افرادی اگر نگوییم تمام عمر دست‌کم





سال‌هایی از عمر خود را صرف اندیشه‌ورزی و تحقیق جدی در این زمینه کنند. قوام علمی، قوت تحلیل و انتقاد محتوایی هر پژوهشی در زمینه اخلاق فناوری اطلاعات و هوش مصنوعی منوط به توانمندی علمی محققان است و این به شرطی حاصل می‌شود که فرد به طور حرفه‌ای و تخصصی در این عرصه به پژوهش بپردازد. جای تأسف است که به رغم سالیان درازی که از ورود اینترنت به جامعه ما گذشته و به رغم وجود ظرفیت‌های انسانی و مادی فراوان در کشورمان و به رغم وجود گروه‌ها و حتی پژوهشکده‌های اخلاق در مجامع علمی ایران هنوز یک رشته تخصصی در حوزه اخفاآموزی، اخفانندیشی و اخفاپژوهی راه‌اندازی نشده است و محققانی که اخلاق فناوری اطلاعات را به عنوان پروژه مطالعاتی خود انتخاب کرده باشند و به معنای واقعی در این عرصه صاحب‌نظر باشند، نداریم. محدود افرادی هم اگر در این زمینه کار کرده‌اند عمدتاً به خاطر علاقه و انگیزه فردی بوده بی‌آنکه آموزش آکادمیک و منضبط دیده باشند. نتیجه این که هنوز به اندازه انگشتان دو دست (و اگر جدی‌تر نگاه کنیم به اندازه انگشتان یک دست) محقق متخصص صاحب‌نظر در این زمینه نداریم. فقدان اخفاپژوهان متخصص موجب فقدان نظریه‌پردازی و سبب نگارش آثار ضعیف شده است. آنچه به این مشکلات دامن می‌زند این است که محدود افراد یا مراکزی هم که گاه در زمینه اخفاپژوهی فعالیت می‌کنند نوعاً از یک‌دیگر بی‌خبرند.



۶۹

## ۶. ضعف ادبیات موضوع و فقدان منابع بنیادین

عدم پژوهش درباره بسیاری از موضوعات اخفایی و فقدان کتاب‌های مرجع از قبیل دانشنامه، ماخذشناسی، آموزش روش‌شناسی و بانک موضوعات و مسائل، در کنار برخی عوامل دیگر مثل عدم آشنایی اخفاپژوهان کشور ما با زبان انگلیسی (که زبان عمده آثار اخفایی است) موجب شده که افراد برای نوشتن کتاب و مقاله و پایان‌نامه درباره موضوعات اخفایی هیچ منبعی نداشته باشند و نتوانند از تجارب دیگران استفاده کنند. در نتیجه، برای طراحی ساختار تحقیق و سیر منطقی آن مجبور باشند به نوعی کار را از صفر شروع کنند و برای منابع هم به آثار ضعیف مثل مطالب اینترنتی و اخیراً پت‌بات‌های هوش مصنوعی مراجعه کنند. مشخص است آثاری که بر اساس این منابع نوشته شده چه اندازه از نظر علمی بی‌مایه خواهند بود. البته، در موارد خاص و استثنایی که منبع مکتوب وجود ندارد (مثل جدیدترین فناوری‌های هوش مصنوعی) استناد به منابع و مطالب اینترنتی ایرادی ندارد به شرط آنکه به سایت‌های خبری یا علمی معتبر مراجعه

شود و البته، آدرس و تاریخ مراجعه به سایت نیز در خود پژوهش درج شود.

## ۷. کمرونق بودن فضای نقد علمی

چه در مراکز علمی چه در نشریات تخصصی اخلاق، یا حتی در نشست‌ها و کرسی‌های علمی، مسئله نقد و ارزیابی هنوز جایگاه بایسته خود را ندارد. از این‌رو، برخی از کسانی که در زمینه اخفا تحقیق می‌کنند، ممکن است احساس کنند کسی آنها را نقد نمی‌کند و همین موجب شود که کار را جدی نگیرند؛ مثل دانشجویی که می‌داند استاد برای خواندن و ارزیابی پایان‌نامه‌اش وقت نمی‌گذارد. این آسودگی خیال حتی در مواردی موجب می‌شود که شخص به راحتی اقدام به سرقت علمی و نقض مالکیت معنوی دیگران کند. به عنوان مثال، می‌توان از کتابی درباره اخلاق و فناوری نام برد که چند سال قبل یکی از اساتید دانشگاه توسط یک مرکز پژوهشی منتشر کرد، ولی قسمت عمده آن یا بازنشر مطالب قبلی خودش بود یا مقالات نویسندگان دیگر را - بی آنکه به صورت روشن و شفاف درباره آنها توضیح بدهد - بازنشر کرده بود. جدا از کم‌توجهی به نقد آثار، معمولاً نقد افراد هم مورد توجه جامعه علمی ما نیست. مقصود افرادی‌اند که بی آنکه تخصص لازم در زمینه اخلاق یا فضای مجازی یا هر دو داشته باشند، به سخنرانی، مصاحبه و تدریس می‌پردازند. اخیراً البته، اظهار نظر درباره اخلاق هوش مصنوعی هم به آن اضافه شده است. خروجی نوشته‌ها یا سخنرانی‌های این افراد ارائه اطلاعات نادرست یا نصفه نیمه به مخاطب است و او را به اشتباه می‌اندازد. این کار اگر از سوی افراد حوزوی انجام شود، حتی به تحقیر و تمسخر دین و دین‌داران هم منجر خواهد شد. ای کاش همه کسانی که در صدد گفتن یا نوشتن در باب اخفا هستند این آموزه دینی را مد نظر قرار می‌دادند که سفارش کرده انسان باید حد خود را بشناسد و از آن فراتر نرود.<sup>۱</sup> نویسنده اطلاع دارد که در مجامع علمی ایران، طرح‌های پژوهشی و مقالات و پایان‌نامه‌های اخفایی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (و خود هم گاه در این زمینه همکاری کرده است)، ولی این کار عمدتاً در مورد پژوهش‌هایی است که در مراکز علمی انجام می‌شود و پژوهش‌های آزاد را در بر نمی‌گیرد و افزون بر این، گاه در همین مراکز هم نظارت و دقت لازم انجام نمی‌شود که نمونه آن کتابی بود که به آن اشاره شد.

۱. امام علی(ع): «رَجِمَ اللَّهُ، أَمْرًا عَرَفَ قَدْرَهُ وَ لَمْ يَتَعَدَّ طَوْرَهُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶).



## ۸. فقدان مراکز تخصصی

وجود یک گروه یا پژوهشکده خاص اخفاپژوهی موجب شکل‌گیری تحقیقات منظم، هدفمند و مداوم می‌شود؛ بعلاوه چنین مراکزی زمینه‌ساز تربیت نیروهای اخفاپژوه متخصص هم می‌شوند، اما تا جایی که نگارنده مطلع است، متأسفانه هنوز در زمینه اخلاق فناوری اطلاعات در مراکز حوزوی و دانشگاهی ما چنین کاری انجام نشده است. در مراکز موجود هم عمدتاً به موضوعات اخلاق نظری توجه می‌شود تا اخلاق کاربردی (که اخفا زیرمجموعه آن است). البته، در برخی مؤسسات پژوهشی مثل «پژوهشگاه قرآن و حدیث» گروه پژوهشی تخصصی در زمینه اخلاق کاربردی وجود دارد و حتی بخشی از کلان‌پروژه خود را به اخلاق فناوری اطلاعات اختصاص داده است، ولی در مجموع همچنان جای یک گروه و بلکه پژوهشکده تخصصی در این زمینه خالی است و تا وقتی که این نقیصه رفع نشود، آسیب‌هایی که قبلاً از آنها یاد شد، ادامه خواهد داشت.

اینک که سخن از مراکز پژوهشی به میان آمد، بجاست که به معضل دیگری نیز اشاره شود که عبارت است از فقدان یک ارتباط منسجم و مداوم بین مجامع پژوهشی در داخل کشور و بلکه فقدان ارتباط این مجامع با افراد و نهادهای اخفاپژوه دیگر جوامع، به ویژه جوامع اسلامی. این کار موجب می‌شود که این مراکز از برنامه‌های پژوهشی احتمالی یک‌دیگر در زمینه اخفا اطلاع نداشته باشند و در نتیجه، برخی موضوعات به صورت تکراری کار شود و از برخی موضوعات این حوزه به کلی غفلت شود. برای این ضعف اطلاع و تعامل - به ویژه با مراکز بیرونی - می‌توان دلایل مختلفی را بر شمرد، از جمله: اختلافات مذهبی و سیاسی با دیگر جوامع اسلامی که بر روی مرادفات علمی هم طبیعتاً تأثیر می‌گذارد، عدم آشنایی محققان کشور با زبان انگلیسی و عربی امروزی، کمبود منابع تولیدی در جوامع اسلامی درباره اخلاق فناوری اطلاعات در مقایسه با فراوانی آثار انگلیسی زبان، اطلاع‌رسانی ضعیف آن کشورها و ضعف جست‌وجو و پیگیری از سوی محققان ایرانی.

## جمع‌بندی

در مقاله حاضر، ضمن اشاره به اهمیت و ضرورت پژوهش و تحقیق درباره موضوعات و مسائل اخلاقی فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و به طور خاص فضای مجازی و هوش مصنوعی،



ضمن تقدیر از کارهای انجام شده بر این نکته تأکید شد که این گونه آثار و به طور کلی هر گونه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در زمینه اخفاپژوهی در کشورمان، بایستی مورد نقد و بررسی قرار گیرد تا از نظر کمی و کیفی بهبود یابد. این کار دارای سه مرحله است: شناخت کاستی‌ها و ضعف‌ها، مشخص کردن زمینه‌ها و عوامل آنها و بالاخره پیشنهاد راهکارهایی برای رفع یا کاهش این کاستی‌ها. در مقاله حاضر، دو مورد اول بررسی شد و بی‌شک، بررسی مورد سوم نیاز به شرح و بسط فراوان دارد که خارج از ظرفیت این مکتوب است.

## فهرست منابع

- ابطحی، سید ابراهیم. (۱۳۸۵). چارچوب بهنجار آموزش اخلاق رایاسپهری: شالوده‌ای پویا برای طرح درس دانشگاهی آموزش آداب فناوری اطلاعات. (فا). مجموعه مقالات دومین همایش منطقه‌ای اخلاق و فناوری اطلاعات. تهران.
- امین‌پور، فرزانه. (۱۳۸۷). چالش‌های اخلاق پزشکی در جوامع اطلاعاتی. اخلاق و تاریخ پزشکی ایران، (۱)۱، ص ۶۰-۵۳.
- اونیل، اونورا. (۱۴۰۲). تأملی بر اخلاق در ارتباطات دیجیتال. (ترجمه: امیر سامانی، چاپ اول). تهران: نشر یکشنبه.
- تات داوودآبادی، ایمان؛ رحمتی، حسینعلی. (۱۴۰۱). شهرهای هوشمند و چالش‌های اخلاقی مکانیکی شدن روابط انسانی. فصلنامه اخلاق پژوهی، ۳ (۱۶)، ص ۱۳۳-۱۴۹.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۳۶۶). تصنیف غرر الحکم و درر الکلم. (ترجمه: مصطفی درایتی، چاپ اول). قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ثقة الاسلامی، علیرضا. (۱۳۹۳). اخلاق فناوری اطلاعات؛ نگاهی به گذشته و چشم‌اندازی به آینده. تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی، ۳ (۷۸)، ص ۴۶۳-۴۹۴.
- رحمتی، حسینعلی. (۱۳۸۵، ۱۳۹۵). ماخذشناسی فلسفه غرب: معرفی توصیفی منابع فارسی. (کتاب، مقاله و پایان نامه). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- رحمتی، حسینعلی. (۱۳۸۷). ماخذشناسی اخلاق. (چاپ اول). قم: معاونت پژوهشی دانشگاه معارف اسلامی با همکاری انتشارات صهبای یقین.
- رحمتی، حسینعلی. (۱۳۹۱). ماخذشناسی اخلاق فناوری اطلاعات و ارتباطات. (چاپ اول). قم: دانشگاه قم با همکاری شورای عالی اطلاع‌رسانی کشور.

رضازاده، زهرا؛ میرحسینی، زهره. (۱۳۹۹). آسیب‌شناسی آموزش علم اطلاعات و دانش‌شناسی: نظریه زمینه‌ای. دانش‌شناسی، ۱۳(۵۰)، ص ۴۹-۶۳.

رعیت‌پیشه، سعید و همکاران. (۱۳۹۴). اخلاق در متخصصین فناوری اطلاعات. (کارکنان اداری) شهر بندرعباس. مطالعات مدیریت فناوری اطلاعات، ۳(۱۱)، ص ۱۵-۲۵.

زارعی، بتول؛ جعفری نویمی پور، نیما. (۱۳۹۵). ترویج سبک زندگی ایرانی و اسلامی با استفاده از ظرفیت شبکه‌های مجازی و اجتماعی. فصلنامه علمی ترویجی اخلاق، ۶(۲۲)، ص ۲۱۹-۲۴۹.

شهریاری، حمید. (۱۳۹۱). بهره‌گیری حداکثری از فرصت‌ها و صیانت از آسیب‌های فضای مجازی. ره آورد نور، ۳۸(۵۵)، ص ۵۴.

شهریاری، حمید. (۱۳۹۸). اخلاق فناوری اطلاعات. (چاپ سوم). قم: انتشارات دانشگاه قم.

غمامی، سید محمد علی؛ اسلامی تنها، علی اصغر. (۱۴۰۱). هم‌شناسی فرهنگی به مثابه الگوی ارتباطات میان فرهنگی در قرآن؛ رویکردی تطبیقی. فصلنامه علمی مطالعات فرهنگ-ارتباطات، ۵۷(۸۹)، ص ۷-۳۰.

فدایی، مهدی. (۱۴۰۱). آسیب‌شناسی مصرف رسانه‌های اجتماعی در کاربران حوزوی در حوزه اخلاق فردی. پژوهش‌نامه سبک زندگی، ۸(۱۴).

فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۸۳). اصول و فنون پژوهش در گستره دین‌پژوهی. (چاپ اول). قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.

فصیح‌رامندی، منصوره. (۱۳۹۸). ملاحظات اخلاقی و حقوقی در مواجهه نوجوانان با پورنوگرافی در فضای مجازی. اخلاق زیستی، ۹(۳۴)، ص ۸۱-۹۳.

فلاح تفتی، حامد. (۱۳۹۳). تجزیه و تحلیل عوامل سازمانی، جمعیت‌شناختی و محیطی مؤثر بر اخلاق در فناوری اطلاعات. مطالعات اخلاق کاربردی، ۱۴(۳۶)، ص ۱۱۸-۱۴۶.

قاسمی، محمدعلی؛ علیزاده، ولی‌الله. (۱۳۹۰). شیوه مقاله‌نویسی. (چاپ اول). قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).

قلندر، محمود و همکاران. (۱۴۰۱). رسانه و ارتباطات، تجربه مالزی در اسلامی‌سازی و بومی‌سازی دانش ارتباطات. (ترجمه: عباس قنبری باغستان، چاپ اول). تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.

کاپورو، رافائل. (۱۴۰۰). مجموعه مقالات اخلاق اطلاعات و فضای مجازی. (گزینش و ترجمه: محمد خندان، چاپ اول). تهران: سوره مهر.

گودرزی، مهدی و همکاران. (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی سیاست‌های علم و فناوری در ایران: تحلیلی بر برنامه‌های پنج ساله توسعه. فصلنامه مدیریت توسعه فناوری، ۲(۳)، ص ۱۳۷-۱۶۱.

مجموعه نویسندگان. (۱۳۹۱). مسائل اخلاق فناوری اطلاعات در روایات اسلامی. (چاپ اول). قم:



دانشگاه قم با همکاری شورای عالی اطلاع‌رسانی کشور.  
محتوای ملی در فضای مجازی: مجموعه مقالات همایش محتوای ملی در فضای مجازی. تهران:  
۱۳۹۱. سایت سیویلیکا، دسترسی: <https://civilica.com/1/7628> (تاریخ مراجعه: ۱۳۹۵).  
مطهری، قیانوس بیگم. (۱۳۹۶). بررسی حیا در فضای مجازی از منظر اسلام. مطالعات پژوهشی زنان با  
رویکرد اسلامی. ۷ (۴)، ص ۱۹-۳۳.  
ناشناس. (۱۴۰۳). قبل از هر تصمیم درباره فیلترینگ این گزارش را بخوانید. روزنامه فرهیختگان،  
ش ۴۱۹۲، ۶ مرداد، ص ۱۶.  
نوری، حسین بن محمد تقی. (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. (چاپ اول). قم: مؤسسه  
آل البيت (ع).

